

مشهد
پایتخت معنوی
ایران
و شرق اسلامی

مشهد پایتخت معنوی ایران و شرق اسلامی:

پیشینه بارگاه رضوی و شهر مشهد را در نگاه کلی تاریخی، بر اساس تحولاتی که بقعه امام رضا (ع) و ساکنان مجاور آن داشته‌اند، را در چهار دوره کلی، از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌توان مطالعه و بررسی کرد:

الف: مرحله‌ی پیدایش و شکل‌گیری تدریجی شهر مشهد تا دوران صفویه با محوریت: «از جغرافیای محبت تا جغرافیای تشیع».

ب: از دوران صفویه تا پایان دوره‌ی استعمار و غرب‌گرایی با محوریت «به سوی پایتخت معنوی و کانون تشیع ایرانی».

د: دوران پس از انقلاب اسلامی، کانونی برای گسترش جغرافیای تشیع و محبت اهل بیت به سوی شرق.

ه: نگاهی آینده‌پژوهانه به رسالت فراروی مشهد و شیعه‌ی ایرانی و خراسانی.

1. مرحله‌ی پیدایش و شکل‌گیری شهر مشهد؛ از کانون محبت تا کانون تشیع:

پس از دفن پیکر مطهر امام رضا (ع) در توس، عباسیان بر مزار ایشان و قبر هارون بقعه‌ای ساختند که باعث شد مزار امام، تدریجاً در کانون توجه مسلمانان منطقه قرار بگیرد. با توجه به نزدیکی مزار ایشان به نیشابور، که یکی از مراکز بزرگ علمی اهل سنت بود، زیارت آن، مورد عنایت ویژه‌ی علما و مردم این شهر قرار گرفت. جوینی، از حاکم نیشابور نقل می‌کند که: ابوبکر ابن خزیمه (متوفی 311 ه. ق.) و ابوعلی ثقفی شافعی (متوفی 322)، به همراه دیگر استادان شهر نیشابور، همگی با هم به زیارت مزار علی ابن موسی الرضا (ع) می‌رفتند.¹ پس از شهادت امام رضا (ع)، و به ویژه پس از بازگشت دانش‌مند شیعه، فضل ابن شاذان نیشابوری به نیشابور، تشیع در آن شهر و مناطق مجاورش و نیز در توس، رو به رشد و گسترش گذاشته بود. از سوی دیگر، در قرن سوم نیز، به تدریج، با اقامت گسترده‌ی خاندان‌هایی از سادات در سبزوار، این شهر مهم نیز به دومین شهر شیعی ایران تبدیل شد.

این وضع باعث شد که در همان یکی - دو قرن اول پس از دفن امام رضا (ع)، مزار ایشان در کانون توجه جامعه‌ی شیعی و سنی خراسان قرار گیرد و عاملی برای تقریب و هم‌گرایی و هم‌زیستی در بین آن‌ها شود؛ به گونه‌ای که برخی از پادشاهان سامانی، که اولین سلسله‌ی مقتدر ایرانی است، نسبت به امام یا بازسازی مزار ایشان، عنایت ویژه‌ای داشتند.

در همین زمان، شهر توس هم که نزدیک مزار امام رضا بود، تدریجاً رنگ و بویی کاملاً شیعی یافت. شاهد این مدعا، فراوانی لقب «توسی» در میان واپسین یاران امامان معصوم و در دوران غیبت صغری است. آغاز دوران غیبت کبری نیز، مصادف با درخشش شخصیتی چون شیخ توسی در جهان اسلام بود.²

1. امام رضا از دیدگاه اهل سنت، ص 134 (به نقل از: فراند السمطین، ج 2، ص 198).

2. تاریخ تشیع در ایران، ج 2، صص 513 و 539.

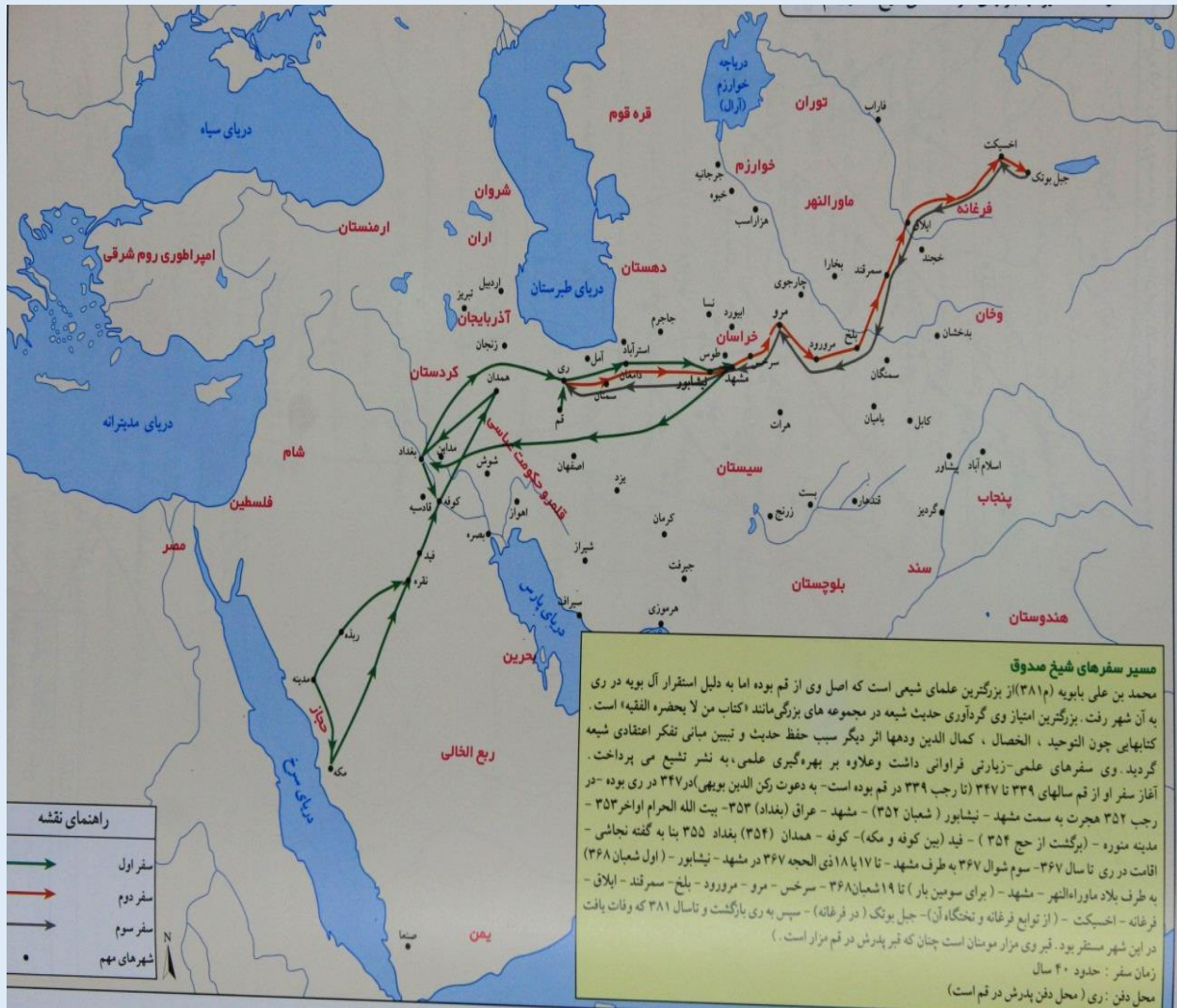
از نکات مربوط به وضع مزار امام رضا (ع) دز قرن‌های آغازین پیدایش آن، اولین هجوم و تخریب آن مزار به دست سبکتگین غزنوی (پدر سلطان محمود غزنوی) است. این اتفاق، ممکن است ناشی از تأثیرپذیری این سلسله‌ی ترک، از علمای اهل حدیث متعصب ساکن در مناطق شرقی خراسان و ماوراءالنهر باشد.³

در جغرافیای تاریخی - اسلامی خراسان و ماوراءالنهر، گه‌گاه ماوراءالنهر، با مرکزیت بخارا، همانند بغداد و دمشق، شاهد اوج‌گیری افکار تسنن حدیثی متمایل به ناصبی‌گری بوده است که بازتاب آن یا در تألیفات به دور از فضای تقریب مذاهب دیده می‌شود؛ مانند کتاب «صحیح»، اثر امام بخاری؛ یا در حملات تاریخی ترکان تازه‌مسلمان غزنوی و غزها در پیش از حمله‌ی مغول؛ و حملات ازبک‌ها در دوران پس از مغول. در این حملات، چندین مرتبه شهر مشهد و بارگاه مطهر امام رضا (ع) ویران و غارت شد.

پس از ویران شدن بارگاه امام به دست سبکتگین، وقتی قلمرو دولت دیلمی‌ها به شرق خراسان رسید، سریعاً به بازسازی مرقد مطهر امام پرداختند. صاحب ابن عبّاد، وزیر فخرالدوله‌ی دیلمی، با سرودن اشعاری که در شرح آرزوی او در باره‌ی اقامت در جوار مزار امام است، ضمن نشان دادن علاقه‌ی ویژه‌ی خود به امام، دستور بازسازی بارگاه امام رضا (ع) را داد. تحت تأثیر عنایات ویژه‌ی صاحب ابن عبّاد و دیلمیان به بارگاه و شخص امام رضا (ع)، شیخ صدوق هم، اثر ارزش‌مند «عیون اخبار الرضا (ع)» را در شرح حال امام به نگارش درآورد⁴ و تلاش کرد در چند سفر برای زیارت مزار ایشان به مشهد بیاید.

³. همان، ج 1، ص 274.

⁴. مقدمه‌ی عیون اخبار الرضا، نگاشته‌ی شیخ صدوق.



کمی پس از این که سلطان محمود غزنوی، حکومت غزنویان را به اوج اقتدار خود رساند و مشهد را تصرف کرد، تلاش کرد در مقام جبران ویران‌گری‌های پدرش و در تکمیل کار دیلمیان، بزرگ‌ترین برنامه‌ی عمرانی، تا آن زمان را، در مورد مزار امام رضا (ع) انجام دهد. حتی می‌گویند: او بود که وقتی به توسعه و سازمان‌دهی خانه‌ها و بناهای مردم ساکن در اطراف مزار امام پرداخت، نام این شهر را مشهد گذاشت.^۵

در این سال‌ها، مشهد اگر چه داشت تدریجاً از شهری کوچک به شهری متوسط در خراسان غربی تبدیل می‌شد، ولی هم‌چنان به واسطه‌ی نزدیکی با نیشابور، تحت تأثیر شهرت و عظمت آن شهر و نیز شهرهای توس، هرات، مرو و سرخس بود. مشهد، در عین حال، در برابر شهر نیشابور، که کانون علمی علمای عامه و بعضاً خاصه بود؛

^۵. تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۳۷۴.



از منظر دیگر، با گذر زمان و رشد نزاع‌های فرقه‌ای به ویژه در قرون پنجم و ششم، در اکثر شهرهای ایران، و به ویژه در مناطق مجاور مشهد، به تدریج، نحله‌های مختلف تصوّف نیز رو به رشد گذاشتند. این روی‌داد باعث شد تا شهر مشهد در کنار سلسله‌های سنی مذهب برآمده از ماوراءالنهر و مراکز بزرگ تسنّن در اطراف آن، نقش مهمی در تعدیل تسنّن، حفظ و گسترش محبّت اهل بیت در میان آن‌ها و نهایتاً تقویت تصوّف متمایل به اهل بیت داشته باشد و قانونی برای رفت و آمد شیعیان و یا اقامت نسبی آنان باشد.



تأثیر جای گاه مشهد در تقویت تشیع در خراسان را، در شهری مثل توس می توان دید که در آغاز دوران غیبت کبری، شخصیت برجسته‌ی جهان تشیع، شیخ توسی و در میانه‌ی حمله مغول خواجه نصیر توسی از آن جا برخاسته‌اند.

حمله‌ی مغول، باعث ویرانی شهرهای بزرگ خراسان شد، ولی می توان از برخی قراین فهمید که: ویرانی مشهد نسبت به دیگر شهر کم تر بوده است؛ چون در تاریخ، از مقاومت مردم این شهر در برابر مغول‌ها چیزی گزارش نشده است. می دانیم که در حمله‌ی مغول، شهرهای بزرگ خراسان، مانند: سمرقند، بخارا، هرات، مرو و نیشابور

کاملاً ویران شدند و این ویرانی، باعث افول اجتماعی، فرهنگی، علمی و به طور کلی، افول همه‌جانبه‌ی آن‌ها شد. بدتر این که: روند احیای این شهرها، با توجه به تکرار چندباره‌ی حملات مغول‌ها، با تأخیر بسیاری انجام گرفت. این در حالی بود که، با رشد روحیه‌ی عرفان و تصوّف ناشی از حملات مغول‌ها^۶ از یک طرف و کارکرد بارگاه امام رضا (ع) در آرامش‌بخشی معنوی در آن سال‌های سخت، از طرف دیگر، به تدریج نام و جای‌گاه شهر مشهد مقدّس بیش‌تر مورد توجه مردم قرار گرفت و این شهر تدریجاً، تبدیل به شهری مهم در خراسان غربی شد؛ به ویژه که در اواخر دوران حاکمیت مغول‌ها، برخی از پادشاهان مغول، مانند سلطان محمد خدابنده نیز شیعه شدند.

در باره‌ی او نوشته‌اند: پس از آن که شیعه شد، به زیارت مشهد رضوی می‌آمد و در آن جا عالمی به نام حسن کاشی را یافت که در مقام ترویج تشیّع بود. سلطان، ضمن تکریم، او را با خود به سلطانیّه برد تا در راه ترویج تشیّع او را یاری رساند.^۷

تحت تأثیر تحولات فکری و اجتماعی و گسترش تشیّع در شرق، در این زمان در اطراف مشهد، تسنّن دوازده‌امامی صوفیانه هم، تدریجاً جای‌گزين تسنّن حدیثی می‌شود. از سرآمدان این جریان، شاعر و صوفی مشهور، ملا احمد جامی است.^۸

مهم‌ترین اتفاق برای شهر مشهد در اواخر دوره‌ی مغول - تیموری، تبدیل شدن آن به پایتخت شاه‌رخ، پسر تیموراست؛ اتفاقی که با بازسازی و توسعه‌ی گسترده بارگاه رضوی (ساختن مسجد گوهرشاد، مدرسه‌ی پری‌زاد و مدرسه‌ی دودر) و خود شهر مشهد هم‌راه بود. این بدین معنی است که: در این سال‌ها، شهر مشهد از نظر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی، سرآمد شهرهای خراسان غربی شده بود. مشهد در این زمان، به سبب وجود بارگاه مطهر رضوی، دارای جمعیتی بزرگ با اکثریت شیعه بود. این وضع، اگر در مناطق مجاور، باعث رشد تشیّع نشده باشد، دست کم موجب تقویت تسنّن دوازده‌امامی شده است. شاهد این مدعا، ظهور ملا حسین کاشفی در خراسان، در آستانه‌ی ظهور صفویه است. حوزه‌ی فعالیت علمی و تبلیغی ملا حسین کاشفی، از هرات تا سبزوار بود. در هرات او را سنی می‌دانستند و در سبزوار، شیعی! او نویسنده کتاب مهم «روضه‌الشهدا» است که در مناقب امام رضا (ع) نیز اشعار قابل توجهی دارد. این کتاب،

^۶. تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۷۱۴.

^۷. همان، ص ۶۶۵.

^۸. همان، ص ۷۱۴.



باعث گسترش و تقویت مجالس روضه‌خوانی اهل بیت در خراسان، درست کمی پیش از تشکیل دولت صفویه در میان شیعه و سنی شده بود.^۹

جای‌گاه مشهد مقدس، در اواخر دوران تیموری تا ظهور صفویه، چنان بود که عالم بزرگ شیعه، ابن ابی‌جمهور احسایی، از عراق به آن جا هجرت کرد و برای تقویت تشیع در خراسان در مشهد ساکن شد و مجالس مناظرات گوناگونی با علمای هرات برگزار کرد.^{۱۰}

بدین گونه است که بارگاه مطهر رضوی، تا پیش از حمله مغول، کانونی محکم برای حفظ و گسترش تشیع شده بود. این کانون پس از ایجاد و تثبیت، در مرحله بعد، باعث تقویت و رشد محبت به اهل بیت در میان تسنن متصلب خراسان و ماوراءالنهر شد و بدین گونه، در مرحله گذار، یعنی دوران پس از مغول، مشهد

۹. همان، ص ۷۲۹.

۱۰. همان، ص ۷۷۶.

تبدیل به کانونی برای تقویت تسنن دوازده‌امامی شد، فرایندی که خراسان غربی را در آستانه‌ی تشکیل دولت شیعی صفویّه، آماده‌ی پذیرش گسترده‌ی تشیع کرد.

جدول ایده‌یابی		
موضوع جزئی	پیش فرض علمی	ایده
مزار امام در جوار قبر هارون	سیاسی	هم‌جواری این دو مدفن باعث شد که در سال‌های آغازین پیدایش این مرقد شریف به دست عبّاسیان، امنیّت و عمران بقعه، مورد توجه باشد و برخلاف هجوم‌های برخی از خلفای عبّاسی در سال‌های بعد به مرقد مطهر سیدالشهداء (ع) و برخی بقاع دیگر، این اتفاق در باره‌ی مزار امام رضا رخ ندهد.
	کلامی	قبر هارون که در کنار مرقد امام است، با وجود خلافت طولانی عبّاسیان و نیز وجود فرقه‌های ناصبی در منطقه، هیچ گاه مورد توجه مسلمانان نبوده است.
دفن امام در حومه‌ی شهر توس	جغرافیایی	قرار گرفتن مزار امام در توس، به سبب فاصله‌گذاری مرقد از شهرهای بزرگ و کوچک خراسان، برای پرهیز از به حاشیه رفتن کارکردهای فرهنگی آن مزار در میان فرهنگ‌های موجود بود.
	جغرافیایی / تاریخی	فاصله‌گذاری جغرافیایی، فرصتی جغرافیایی بود تا مرقد مطهر رضوی، محور پیدایش شهری جدید بر مبنای فرهنگ ایمان و عشق به حریم رضوی باشد.
بازتاب زیارت عامّه در سال‌های آغازین	فرهنگی	مزار نورانی امام، کانونی اهل بیتی برای جذب و تألیف قلوب و تعدیل گرایش‌های افراطی خواصّ و عوام در خراسان بود.
نگاهی آماری به زایران عامّه در	تاریخی / فرهنگی	گسترده‌ی و کثرت زوّار عامّه‌ی مرقد مطهر رضوی از نیشابور و توس، در مقایسه با علما و عموم مردم از ماوراءالنهر، بیان‌گر استعداد‌های فرهنگی

جغرافیای خراسان	خراسان غربی برای پذیرش تشیع در بلندمدت (در مقایسه با ثبات و پافشاری ماوراءالنهر بر تسنن) بود.
علمای شیعی برجسته‌ی توسی	تاریخی / فرهنگی
پدیدار شدن علمای بسیار برجسته در تاریخ تشیع از شهر توس، بیان‌گر سرعت و عمق اثرگذاری فرهنگ رضوی در مناطق مجاور خود با غلبه‌ی مکتب تشیع است.	
حملات تاریخی نواصب به حریم رضوی تا پیش از حمله‌ی مغول	تاریخی
حملات تاریخی و تخریب و یا غارت حریم رضوی به دست نواصب، مانند تخریب و غارت حرم حسینی در عراق، بیان‌گر وحشت آن‌ها از اثرگذاری این دو بقعه‌ی مطهر در توسعه و عمق یافتن تشیع در جغرافیای عراق و خراسان است.	
کارکرد تاریخی حریم رضوی در زمان حاکمیت سلسله‌های اسلامی تا پیش از حمله‌ی مغول	فرهنگی
با توجه به پیدایش و غلبه‌ی سلسله‌های ترک عامه‌مسلمک، در قرن‌های پنجم تا هفتم، از ماوراءالنهر به سوی دیگر مناطق جهان اسلام، حرم رضوی به عنوان جغرافیای واسطه‌ای در بین ماوراءالنهر و ایران و عراق، نقش فراوانی در تعدیل گرایش‌های فرقه‌ای سلاطین ترک و تقویت نسبی روحیه‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز دینی در آن‌ها داشت.	
حریم رضوی در آستانه‌ی حمله‌ی مغول	تاریخی
با گذشت سه - چهار قرن از پیدایش شهر مشهد، این شهر به عنوان نماد و هویت شیعی در خراسان، در میان مراکز بزرگ علمی و اجتماعی عامه شناخته می‌شد و کانون همزیستی مسالمت‌آمیز فرقه‌های اسلامی و مبدئی برای تقویت تسنن اهل بیتی و یا تصوف شیعی در خراسان بود.	
کارکرد تاریخی مشهد در دوره‌ی مغول و تیموری	تاریخی
نابودی و ویرانی کانون‌های جمعیتی خراسان و ماوراءالنهر در برابر احیای سریع‌تر مشهد، این شهر را تبدیل به کانون نشر علم و معارف در فضای مرده‌ی پس از هجوم مغول کرد.	

<p>فرهنگ زیارت رضوی و معارف اهل بیتی، باعث تعدیل تدریجی اسلام‌های جمودگرا و یا عرفان‌های دنیاگرایز در منطقه خراسان شد و جامعه‌ی مصیبت‌زده‌ی خراسان را به عرفان شیعی نزدیک‌تر ساخت.</p>	<p>عرفانی</p>	
<p>در دوران آرامش جهان اسلام، پس از پایان حملات مغول‌ها، مشهد با هویت شیعی - رضوی، مهم‌ترین شهر خراسان شده بود و اولین حوزه‌های علمی شیعی در آن تشکیل شد.</p>	<p>تاریخی / اجتماعی</p>	

2. از دوران صفویّه تا پایان دوران استعمار و غرب‌گرایی؛ به سوی

پایتخت معنوی و کانون تشیع ایرانی:

در آستانه‌ی تشکیل دولت شیعی صفویّه، مشهد و تمامی مناطق غربی آن، پیش‌تر به جغرافیای تشیع وارد شده بودند؛ از این رو، پس از شکل‌گیری صفویّه، اندک‌علمای موجود در مشهد، با بهره‌گیری از جای‌گاه معنوی این شهر، به تبلیغ تشیع در مناطق شرقی و شمالی و جنوب شرق خراسان پرداختند. صفویّه در سال‌های آغازین پیدایش، با دو دشمن بزرگ در شرق و غرب خود مواجه بودند. در غرب، خلافت مقتدر عثمانی بود و در شرق، حکومت دردرساز ازبکان متعصب. رسمیت یافتن تشیع در ایران، باعث حساسیت و واکنش این دو دولت در آغازین سال‌های پیدایش صفوی‌ها شد. واکنش‌هایی که خود را در شکل جنگ چالدران تا حملات چندباره‌ی ازبک‌ها به مشهد و غارت آن جا، به عنوان پای‌گاه مهم تشیع در خراسان، نشان داد. حملات به مشهد بسیار گسترده بود، به گونه‌ای که در قرن اوّل تأسیس صفویّه، مشهد چندین مرتبه عرصه‌ی هجوم قرار گرفت که شدیدترین آن‌ها در حوالی سال‌های 915 – 916 ه. ق. بود.¹¹ پس از آن نیز، در اواخر قرن دهم (990 ه. ق.)، دوباره به مشهد حمله شد و جمع بسیاری از علمای شیعه‌ی ساکن این شهر به شهادت رسیدند.¹²

سرانجام وقتی مرزهای شرقی ایران (در دوره‌ی شاه عباس)، به ثبات رسید، اوج رشد و شکوفایی مشهد آغاز شد. در این رشد و شکوفایی، عواملی چند نقش داشتند که عبارت‌اند از:

الف. پس از رسمیت یافتن تشیع در ایران، با توجه به تسلط خلافت عثمانی بر مکه و مدینه و عتبات عراق، حکومت صفوی در جست و جوی تعریف پای‌گاهی معنوی برای هویت‌بخشی به نظام جدید خود بود. برای ایفای این نقش، اگر چه شهر قم هم وجود داشت، ولی از نظر معنوی، هم‌شان شهرهای مذکور نبود و تنها این مشهد بود که با توجه به وجود مزار امام رضا (ع)، در کنار وجود منابع روایی غنی در فرهنگ حدیثی شیعه، می‌توانست به عنوان کانون و پایتخت معنوی ایران تعریف شود.

¹¹. تاریخ تشیع در ایران، ج 2، ص 779.

¹². همان، ص 791.

ب. از اواخر دوران تیموری، با گسترش شهر مشهد و غلبه‌ی تشیع و ایجاد اولین مدارس علمی رسمی، به دست بازماندگان تیموری، تدریجاً با اسکان علمای شیعه، حوزه‌ی علمی شیعه‌ی مشهد نیز بنیان‌گذاری شد. پس از تأسیس دولت صفویّه، مشهد در همان آغازین سال‌ها، کانون توجه بسیاری از علمای ایرانی قرار گرفت، به گونه‌ای که از فجایع حمله‌ی شیبک خان ازبک، در سال 916 ه. ق. قتل عام گسترده‌ی علمای شیعه، به ویژه عالم مشهور، ملاعبدالله شوشتری بود. کمی بعد، وقتی که به دعوت صفوی‌ها علمای شیعه‌ی لبنان، از جبل عامل به شکلی گسترده به ایران مهاجرت کردند، برخی از آن علمای بزرگ، پس از مدتی اقامت در شهرهای دیگر ایران، سرانجام تصمیم گرفتند در اواخر عمر، مجاور مرقد مطهر امام رضا (ع) شوند. شخصیت‌های برجسته‌ی این گروه، شیخ حرّ عاملی و شیخ بهایی بودند. این اتفاق، باعث تلفیق جای‌گاه معنوی شهر مشهد با حوزه‌ی علمی قدرت‌مند آن شد و بر موقعیت علمی و اجتماعی مشهد افزود.



ج. صفویّه پس از کوشش برای تبدیل کردن مشهد به پایتخت معنوی ایران و تشیع، تلاش‌های فراوانی برای فرهنگ‌سازی زیارت امام رضا (ع) نیز انجام دادند. در رأس این کوشش‌ها، برنامه‌ریزی عمرانی - اقتصادی

برای این مهم بود. کارهایی مانند: ساخت کاروان‌سراهای فراوان در مسیرهای منتهی به مشهد مقدس، یا تشویق فرهنگ وقف برای زیارت و زایران رضوی.

مهم‌تر از همه، این بود که: شیخ بهایی، به عنوان بزرگ‌ترین مهندس و طراح شهری در دوران صفوی، پس از اصفهان، مهم‌ترین ایده‌ها و طرح‌های عمرانی خود را با کمک شاه عباس صفوی در مشهد مقدس به اجرا گذاشت و بدین گونه مشهد مقدس، به تدریج پس از اصفهان تبدیل به دومین شهر بزرگ ایران گردید.

د. اقدام سیاسی - مذهبی - فرهنگی شاه عباس، که به پیش‌نهاد علمای شیعه و همراهی گسترده‌ی آن‌ها مبنی بر به زیارت رفتن با پای پیاده از اصفهان به مشهد صورت گرفت، نقشی مهم در طراحی فرهنگ زیارت رضوی در تاریخ اجتماعی جدید ایران داشت و بدین گونه بود که از آن پس، در کنار فرهنگ سفر حج و زیارت عتبات، زیارت مرقد مطهر رضوی نیز جزو فرهنگ‌های برجسته‌ی ایرانیان گردید، به ویژه در آن سال‌ها که روابط سرد سیاسی صفویّه با عثمانی، باعث محدودیت سفرها به حج و عتبات گردیده بود.

بدین گونه بود که در تحوّل تاریخی - فرهنگی مهمی که در جغرافیای ایران و در جغرافیای تاریخی تشیع صورت گرفت، مشهد مقدس تبدیل به کلان‌شهری در شرق اسلامی گردید تا در آغازین مرحله، شعاع معنویّت و قدسیّت بر ایران پرتو بیفکند.

در سال‌های پس از صفویّه، تحولات پر فراز و نشیب حکومت افغان‌ها و افشاریان، اگر چه باعث هرج و مرج‌های سیاسی و اجتماعی در ایران شد، ولی هیچ کدام به جای‌گاه مشهد لطمه‌ای وارد نکرد.

در دوره‌ی سلطنت قاجاریان، پس از تثبیت دوباره‌ی اوضاع سیاسی، شهر مشهد و خراسان، دوباره از مناطق مهم ایران شدند و حوزه‌ی علمیّه‌ی مشهد نیز کاملاً تبدیل به یکی از حوزه‌های علمیّه‌ی مهم در جامعه‌ی شیعه شد.

یکی از روی‌دادهای مهم در این دوران، دست‌اندازی استعمارگران بر بسیاری از مناطق و استان‌های مرزی ایران دوره‌ی قاجار است. در این تحولات، خراسان بزرگ از دو سو با دست‌اندازی استعمارگران روس و انگلیس مواجه شد. تجاوزهای پیاپی آن‌ها و ضعف دولت مرکزی، باعث جدایی مناطق بسیاری از شرق و شمال شرق ایران شد. نتیجه‌ی این تحولات، نزدیکی مرزهای سیاسی - استعماری جدید در شرق ایران به شهر مشهد بود.

این اتفاق، تأکیدی دوباره است بر این که اگر جای‌گاه معنوی - فرهنگی - اجتماعی مشهد در شرق ایران نبود؛ مانعی معنوی در برابر استعمارگران وجود نداشت و نابودی هویت تشیع در خراسان جدی بود.

نقشه شماره ۱۵۵ : مناطق جدا شده از سرزمین ایران در دوران قاجاریه



از همین روست که: با آغاز دوران استعمار، مشهد و حوزه‌ی علمیّه‌ی آن و بافت اجتماعی آن شهر، جای‌گاه ویژه‌ای در ایستادگی و مقاومت در برابر استعمار داشته است.

جلوه‌هایی از این مبارزات و مقاومت‌ها چنین است:

- نقش مردم و علمای مشهد و خراسان در روی‌داد مشروطیت.
 - نقش مردم و روحانیت در ایستادگی در برابر تجاوزات مکرر روس‌ها به خراسان که سرانجامش گلوله‌باران مرقد مطهر امام رضا (ع) بود. (اقدامی که باعث سقوط امپراطوری تزار روسیه شد.)
 - مبارزات گسترده‌ی علما و مردم مشهد علیه سیاست‌های غرب‌گرای رضاخان که اوج آن در هجرت مراجع مشهد به تهران و قتل عام مسجد گوهرشاد ظاهر شد.
- از نکات قابل توجه در دوره‌ی رضاشاه این است که: او هجومی گسترده علیه شعایر دینی هم‌چون حجاب، لباس روحانیت، عزاداری حسینی و مانند این‌ها انجام داد؛ ولی هیچ‌گاه نتوانست مانع فرهنگ زیارت رضوی شود. همین کارکرد معنوی - فرهنگی - اجتماعی زیارت رضوی، یکی از عوامل مهمی بود که پس از سقوط رضاشاه، اگر چه حاکمیت غرب‌گراها استمرار یافت، ولی با توجه به برطرف شدن محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها، خیلی سریع فرهنگ دینی، سبک غالب زندگی در ایران شد.
- فرهنگ زیارت رضوی، با توجه به پیش‌رفت‌های وسایل نقلیه و رفاه نسبی جامعه‌ی متوسط، نقشی ویژه در این بازگشت معنویت داشت؛ به گونه‌ای که در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی، وجود یک عکس یادگاری خانوادگی از زیارت مشهد مقدس، یکی از سنت‌های فرهنگ عمومی مردم متوسط جامعه شده بود. این بدین معنا بود که: فرهنگ زیارت رضوی، مهم‌ترین سرمایه‌ی اجتماعی شیعه‌ی ایرانی در آن سال‌ها بود؛ سرمایه‌ی اجتماعی که در نهضت انقلاب و دفاع مقدس هم امتداد پیدا کرد.
- این سرمایه، هم‌چنان رو به توسعه‌ی کمی و کیفی است و هر روز که می‌گذرد، شاهد پیوند قلبی و حضوری و فکری و فرهنگی و رفتاری روزافزون ایرانیان با بارگاه رضوی و اثرپذیری بیش‌تر از معنویت‌ها و برکت‌های حضور و زیارت آن مرقد مطهر و نورانی است.

جدول ایده‌یابی

ایده	پیش فرض علمی	موضوع جزئی
<p>پیدایش و درخشش دولت شیعی صفوی، باعث خشم و وحشت حکومت‌های ناصبی ماوراءالنهر شد و آن‌ها در چندین مرتبه به مشهد و حریم رضوی هجوم آوردند و آن را تخریب کردند و علما و مردم شیعه را به شهادت رساندند تا شاید فروغ تشیع در خراسان خاموش گردد؛ ولی هر بار شهر به سرعت به دست مردم علاقه‌مند به اهل بیت و حریم رضوی احیا گردید.</p>	تاریخی	<p>نتیجه‌ی خشم ناصبی‌ها از دولت شیعی صفوی و ضربه بر پیکر بی‌دفاع مشهد</p>
<p>دولت صفوی در مقام طراح فرهنگ شیعی - ایرانی برای دولت خود، با مشاوره‌ی علمای شیعه و مبتنی بر مستندات دینی، به اعتباربخشی و توسعه و تشویق فرهنگ زیارت رضوی در جامعه‌ی شیعه‌ی ایرانی پرداخت.</p>	فرهنگی	<p>دولت صفوی و نیازهای فرهنگی یک حکومت شیعی</p>
<p>مشهد از دوران صفوی، با طراحی مشترک علمای شیعه و شاهان صفوی، تبدیل به پایتخت معنوی کشور شیعی ایران شد و زیارت مشهد، اعتباری مانند زیارت عتبات عالیات و بلکه بالاتر یافت.</p>	فرهنگی / اجتماعی	
<p>دولت صفوی برای تسهیل امر زیارت حریم رضوی، در برنامه‌ریزی کلانی، راه‌های امن، هم‌راه با امکانات رفاهی در بین مناطق گوناگون جمعیتی ایران و شهر مشهد ایجاد کرد.</p>	عمرانی	<p>تسهیلات صفویه برای توسعه‌ی فرهنگ زیارت</p>
<p>علمای بزرگ شیعه با محوریت مراجع بزرگی که از لبنان به ایران آمده بودند، با اقامت در مشهد سعی کردند ضمن فرهنگ‌سازی زیارت رضوی برای عموم مردم، پایه‌گذار حوزه‌ی علمی و دینی مشهد هم باشند و از آن پس، حوزه‌ی علمی مشهد، یکی از حوزه‌های مهم جهان تشیع شد که علمای بزرگی را تقدیم مکتب اهل بیت کرد.</p>	فرهنگی	<p>اقامت علمای بزرگ در مشهد</p>

<p>شهر مشهد و حریم رضوی، مهم‌ترین سنگر دفاعی شیعه‌ی ایرانی خراسان در برابر تجاوزهای روس‌ها از شمال و انگلیسی‌ها از شرق بود.</p>	<p>تاریخی</p>	<p>جای‌گاه تاریخی مشهد در مبارزه با استعمار</p>
<p>تاریخ درخشان حوزه‌ی علمی و مردم مشهد در مبارزات علیه استعمار در دوران قاجار و پهلوی.</p>		
<p>علما و مراجع برجسته‌ی شیعه‌ی دو قرن اخیر، که به نوعی با مشهد مقدّس ارتباط داشته‌اند و خدمات علمی و اجتماعی آن‌ها.</p>	<p>تاریخی</p>	<p>شخصیت‌های برجسته‌ی شیعه</p>
<p>فرهنگ زیارت رضوی که ایادی استعمار نتوانستند در ایران با آن مقابله کنند. فرهنگ زیارت رضوی (در مقایسه با انحطاط فرهنگی مسلمانان در آسیای مرکزی، در دوره‌ی روس‌ها و کمونیست‌ها)، عاملی مهم برای حفظ هویت دینی در میان شیعه‌ی ایرانی بوده است. فرهنگ رضوی، عاملی مهم برای بازگرداندن هویت دینی به جامعه‌ی شیعه‌ی ایرانی پس از سقوط رضاخان بوده است.</p>	<p>فرهنگی / تاریخی</p>	<p>بازشناسی نقش فرهنگ زیارت رضوی در دوره‌ی پهلوی</p>
<p>ورود فن‌آوری به جامعه‌ی ایرانی، باعث توسعه‌ی فرهنگ رضوی در قالب آسان‌سازی زیارت و نیز تبدیل زیارت‌ها به یادگاری بسیار باارزش و نیز فرصت‌سازی برای زیارت‌های مجازی از راه دور شده است.</p>	<p>فرهنگی</p>	<p>جلوه‌های فرهنگ رضوی در دوره‌ی مدرن در میان شیعه‌ی ایرانی</p>
<p>- نقش و جای‌گاه مشهد، علما و مردم شهر و فرهنگ رضوی در مبارزات دوران انقلاب. - مشهد و دفاع مقدّس. - اوج تأثیرگذاری و توسعه‌ی فرهنگ رضوی در جامعه‌ی شیعه‌ی ایرانی در دوران آرامش و امنیت پس از دفاع مقدّس. - مشهد، پایتخت معنوی ایران با بیش‌ترین آمار مسافرت و زیارت.</p>	<p>تاریخی / اجتماعی</p>	<p>فرهنگ رضوی و مشهد در تاریخ انقلاب</p>

3. مشهد در دوران تحولات منطقه‌ای پس از انقلاب اسلامی؛ کانونی

برای گسترش جغرافیای محبت اهل بیت و تشیع به سوی شرق:

همان گونه که اشاره شد، تا زمان امامت امام رضا (ع)، تشیع، تازه وارد مرزهای غربی و جنوب غرب ایران شده بود و به علت حضور تسنن متصلبی که بازمانده‌ی دوران اموی در ایران، از جنوب تا شمال غرب بود، پیش‌رفت تشیع، به اتّفاقی مهم و بسیار بزرگ نیاز داشت. مهاجرت تاریخی امام رضا به مرو و اقامت کوتاه‌مدت ایشان در آن جا و سپس وجود مزار ایشان در خراسان، باعث شد تشیع بتواند کم‌کم در این سدّ فکری و فرهنگی متعصب نفوذ کند یا آن را دور بزند. در اواخر دوران امامت امام رضا (ع) و در سال‌های پس از آن، بستری که سفر امام رضا (ع) فراهم کرده بود، موجب مهاجرت گسترده‌ی علویان و امام‌زادگان به سراسر مناطق غربی و مرکزی ایران شد و بستری برای تحوّل دینی و معنوی تدریجی مردمان این مناطق به تشیع فراهم کرد. از این رو، رشد تشیع در نیمه‌ی غربی، نیاز چندانی به نقش‌آفرینی فرهنگ زیارت بارگاه رضوی نداشت، اگر چه در مقام تقویت و غنی‌سازی، هم‌چنان به آن نیاز بود.

مکتب تشیع نیز، در فرایندی چندقرنی، در خراسان مرکزی و غربی و جنوبی (خراسان بزرگ در دوران عباسیان)، تحت تأثیر فرهنگ زیارت رضوی، جای خود را بتدریج باز می‌کرد؛ ولی در خراسان شرقی و ماوراءالنهر، با توجه به وجود مراکز جمعیتی و علمی متصلب سنی، در کنار ظهور پیاپی حکومت‌های ترک و مغول، برای قرن‌ها فرهنگی ایجاد شد که در برابر رشد تشیع در آن مناطق سدّی ایجاد کرده بود و این وضع به گونه‌ای بود که حتی پس از تحولات سیاسی - اجتماعی - جغرافیایی قرون نوزدهم و بیستم، که ضرباتی سهمگین به جامعه‌ی اسلامی منحصراً آن مناطق زد و هم‌چنین پس از فروپاشی شوروی و کمونیسم و دیگر اندیشه‌های شرقی و غربی، اسلام سنتی و تاریخی این مناطق، دیگر ظرفیت و آمادگی لازم برای احیای گسترده‌ی اسلامی و ساختن تمدنی روزآمد را نداشت.

با توجه به همین درماندگی قرائت‌ها سنتی اسلامی بود که در جمهوری‌های آسیای میانه، پس از سقوط شوروی، جریان‌های اسلامی قدرت‌مندی شکل نگرفت و خیزش مسلمانان تاجیکستان هم، ریشه در اثرپذیری

آن‌ها از انقلاب اسلامی ایران داشت. تجربه‌ی اسلام طالبانی در افغانستان نیز، که ریشه در همان تسنن متصلب سلفی‌گرا داشت، خیلی زود ناکارآمدی خود را نشان داد.

تحوّلات پس از سقوط شوروی و حکومت طالبان در افغانستان، نشان داد: اگر تجربه‌ی انقلاب اسلامی ایران، بر بنیان فرهنگ و معارف اهل بیت و با شعار هم‌گرایی بر محور محبّت اهل بیت و الگوهای زندگی‌ساز و تمدن‌محور آن، به شکلی نرم و ملایم تبلیغ شوند، زمینه‌ی جذب و پذیرش بسیاری در این مناطق خواهد داشت. اگر بتوان تجربه‌ی فرایند تاریخی و تدریجی گذار از تسنن متصلب و سلفی به تسنن دوازده‌امامی یا تسنن صوفی و سپس رسیدن به تشیع ناب را برای این مناطق نمونه‌سازی کرد؛ این اتفاق و تأثیرش، سریع‌تر رخ خواهد داد.

رشد روزافزون تشیع در افغانستان و پاکستان و رشد گرایش‌های اعتقادی بر مبنای محبّت به اهل بیت و اسلام تمدن‌ساز ایرانی (در مقابل ناکامی تجربه‌ی حکومت‌های سکولار آسیای مرکزی و نیز تجربه‌ی موجود اسلام ترکیه‌ای و عربستانی و یا تجربه‌ی پاکستان و مصر و ...) نشان از جاذبه‌های تشیع برای جغرافیای شرق اسلامی دارد.

با این وصف، مشهدالرضا (ع) و فرهنگ زیارت رضوی و فهم و درایت بالای مجاوران این مزار شریف، اعمّ از خواصّ و عوام، مهم‌ترین عامل برای آسان‌سازی مواجهه‌ی مخاطبان تشنه‌ی این مناطق با ظرفیّت‌ها و ارزش‌های تشیع و انقلاب اسلامی است.

فرهنگ زیارت رضوی و اقامت‌های کوتاه یا بلند زائران مسلمان کشورهای مجاور در مشهد مقدّس، اگر به شکلی مناسب صورت بگیرد، می‌تواند معارف و آموزه‌های شیعی - رضوی را به سرعت در شرق اسلامی گسترش دهد؛ تجربه‌ای که به صورت ناقص و البته بیش‌تر خود به خودی و قهری، در اقامت سی‌ساله‌ی افغان‌ها در ایران و بازگشت عده‌ی قابل توجهی از آن‌ها به افغانستان در سال‌های اخیر، خود را نشان داد. نتیجه‌ی این اتفاق به گونه‌ای بود که امروزه در افغانستان، تشیع از اقلیتی کوچک و محروم و مظلوم، تبدیل به اقلیتی بزرگ (که به سرعت در حال گذر از یک‌سوم جمعیتی به نیمی از آن است)، با اثرگذاری فراوان و رو به رشد تبدیل شده است.

اگر به تحوّلات اجتماعی و سیاسی آسیای مرکزی و شبه‌قاره و شرق چین؛ و خلأهای فکری و فرهنگی مردم این مناطق از طرفی، و غنای مکتب اهل بیت، در قالب فرهنگ زیارت رضوی، از طرف دیگر مورد توجه مجاوران عام و خاصّ حریم قدس رضوی قرار بگیرد و در کنار آن، تسهیلات رفت و آمد آسان و گسترده‌ی

زایران این مناطق فراهم گردد، در آینده‌ای نه چندان دور، این مناطق شاهد رشد و گسترش فرهنگ اهل بیت خواهند بود؛ به ویژه اگر برای جذب و تربیت طلبان دینی و دانش‌جویان این مناطق، حوزه‌ها و دانشگاه‌های ویژه‌ای در مشهد ایجاد گردد. این همه، منوط به هوش‌مندی و روزآمدی اندیشه‌ی متولیان حریم قدس رضوی و مدیران استانی و شهری مشهد و سیاست‌گذاران کلان کشور است.

هویت شهری و اجتماعی مشهد، از آغاز بر محوریت بارگاه قدسی رضوی بوده است و برای همیشه، معیار هویتی این شهر خواهد بود. این بزرگ‌ترین سرمایه‌ی فرهنگی شیعه‌ی ایرانی، در مواجهه‌ی عالمانه و هوش‌مندانه و به روز، با مسلمانان خسته و تشنه‌ی اسلام ناب در مناطق شرق اسلامی است.

امروزه با توجه به کلان‌شهر شدن مشهد، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ی عمرانی، اجتماعی و فرهنگی در این شهر کاری بديهي و ضروري است، ولي اين برنامه‌ريزي‌ها بايد همواره با توجه به اوضاع زمانه و تحولات منطقه‌ای و ضرورت محور و مبنای بودن فرهنگ زیارتی و زایرپذیری باشند؛ به ویژه که امروزه بارگاه قدس رضوی، در مقایسه با عتبات عالیات و مکه و مدینه، از نظر رهایی از چنگال وهابیت متعصب و وجود امنیت و فراهم بودن امکانات رفاهی و اقلیم مناسب؛ برترین موقعیت را در شهرهای مذهبی اسلامی دارد و پذیرای بیش‌ترین میزان زائر در جهان اسلام است. اگر چه این زایران، بیش‌تر شیعی و از ایران و کشورهای شیعه‌نشین اطراف هستند، ولی با برنامه‌ریزی تبلیغی مناسب، در بستر تحولات اجتماعی ناشی از فروپاشی کمونیسم در آسیای مرکزی و بیداری اسلامی در جهان عرب و بحران‌های فراگیر اقتصادی و اجتماعی در تمام جهان، می‌توان با جذب فطرت‌های پاک مسلمان و غیر مسلمان به فضای معنوی و شور و شعور حریم قدس رضوی، این بارگاه را تبدیل به پای‌گاه فرهنگی و اجتماعی مناسبی برای بسط و گسترش ارزش‌های انقلاب اسلامی قرار داد.



جدول ایده ها		
ایده	پیش فرض علمی	موضوع جزئی
تغییر مرزهای سیاسی پس از پایان جنگ سرد و بازگشت و احیای ارزش‌های فرهنگی - دینی، می‌تواند نقطه قوتی برای فرهنگ شیعه‌ی ایرانی (با محوریت فرهنگ رضوی)، در جغرافیای اسلامی پیرامون خود باشد.	فرهنگی / سیاسی	از مرزهای سیاسی تا مرزهای فرهنگی

<p>اسلام سنتی در آسیای میانه، که گرفتار ناکامی‌های تاریخی و سرکوب‌های دوره‌ی استعمار و ناکارآمدی در دوران معاصر است، نیازمند بازخوانی و بازتعریف است.</p>	<p>خلأ فرهنگی</p>	<p>آسیب‌شناسی فرهنگی اسلام در آسیای میانه</p>
<p>جوامع مسلمان رهاشده از سلطه‌ی کمونیسم، در خلأ فکری بین قرائت‌های سنتی از اسلام و جوامع مدرن گرفتار هستند که هیچ سنخیتی نیز با هم ندارد.</p>	<p>خلأ فرهنگی</p>	
<p>اسلام انقلابی و حماسی برآمده از فرهنگ شیعه‌ی ایرانی، برای اندیشمندان و روشن‌فکران و جوانان مسلمان منطقه جاذبه‌های فراوان دارد.</p>	<p>سیاسی / فرهنگی</p>	
<p>- ضرورت دارد بین نیازهای هویتی و دینی منطقه‌ای و مهم‌ترین ظرفیت فرهنگی شیعه‌ی ایرانی، که فرهنگ رضوی است، توجه هم‌زمان و بینارشته‌ای داشت.</p> <p>- فرصت‌سازی حضور مسلمانان منطقه در فضای معنوی و ملکوتی حریم رضوی، می‌تواند بهترین مدرسه‌ی علمی و عرفانی برای بازگشت هویت دینی به میان آن‌ها باشد.</p> <p>- حضور افغان‌ها در ایران، تجربه‌ی تاریخی و اثبات‌شده برای تقویت و گسترش نقش سیاسی و اجتماعی تشیع در افغانستان است.</p> <p>- تقویت حضور مسلمانان منطقه در فضای ملکوتی حرم رضوی، تأثیر فراوانی در تضعیف عملی تبلیغات سلفی و وهابی‌ها دارد و بسترسازی مناسبی برای نفوذ و گسترش تدریجی فرهنگ اهل بیتی در کشورهای منطقه است.</p>	<p>مدیریتی / سیاسی / فرهنگی</p>	<p>نسبت‌شناسی فرهنگ رضوی با نیازهای منطقه‌ای</p>
<p>- در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آستان قدس رضوی، باید نگاهی کلان و فراملی داشت.</p> <p>- طراح‌ی الگوی ایرانی - اسلامی فرهنگ زیارت و جای‌گزینی آن با عناوینی مانند: «توریسم اسلامی» یا «گردش‌گری دینی»، برای</p>	<p>مدیریتی / فرهنگی</p>	<p>مسئولیت‌ها و رسالت‌ها در پیش‌گاه امام رئوف</p>

<p>هم‌آهنگ‌سازی فرهنگ زیارت رضوی با رسالت‌ها و اهداف متعالی دین و نیازهای منطقه‌ای، ضرورت بسیار دارد.</p> <p>- ضرورت دارد تعریفی دقیق از ویژگی‌های «مجاور امام رضا» و «شهروندِ مشهد مقدّس» بودن بشود تا بینش مجاوران و شهروندان محترم برای پذیرش و میزبانی فرهنگی و معنوی زائران داخلی و خارجی ارتقا یابد.</p> <p>- ضرورت دارد جای‌گاه مشهد مقدّس و فرهنگ زیارت رضوی، در طرح‌هایی مانند: طرح جامع مهندسی علمی - فرهنگی کشور، یا طرّاحی الگوی ایرانی - اسلامی پیش‌رفت، یا سند چشم‌انداز ایران در 1404، با توجّه به تحولات و نیازهای منطقه‌ای و ظرفیّت‌های فرهنگ رضوی و چشم‌اندازهای دینی این فرهنگ، به طور دقیق تعریف و شناسایی شود.</p>		
---	--	--

4. نگاهی آینده‌پژوهانه به مشهدالرضا:

بر اساس برخی از روایاتِ آخرالزمانیِ اسلامی، که مربوط به جغرافیای شیعه‌ی ایرانی است، در آخرالزمان، یک شهر و یک منطقه رسالت‌هایی مهم دارند؛ رسالت‌هایی که از زمان پیامبر (ص) پیش‌بینی شده‌اند و بسترهای لازم برای اجرای آن‌ها در هر دو منطقه، در زمان امامت امام رضا (ع) فراهم شد. روند تحولات اجتماعی - فرهنگی این دو منطقه، برای رسیدن و عمل به رسالت‌هایشان، روندی تاریخی، تدریجی و مرحله‌ای است. این دو منطقه، یکی شهر قم است، که پس از دفن پیکر مطهر حضرت معصومه (س) در آن جا، در زمان امام رضا (ع)، رسماً عنوان «حرم اهل بیت» را گرفته است. شهر قم، در فرایندی بلندمدت باید از جهت نرم‌افزاری به نقطه‌ای برسد که در آخرالزمان و در آستانه‌ی ظهور، نشردهنده‌ی معارف فرهنگ و ارزش‌های اهل بیت به سراسر جهان باشد.

دقیقاً در مرحله‌ی بعد و کمی مانده به ظهور، از نظر سخت‌افزاری، مهم‌ترین جغرافیایی که زمینه‌سازی ظهور را فراهم می‌کند، خراسان است. بر این مطلب، در روایات شیعی و سنی مورد، تأکید و تأیید شده است.^{۱۳} تأکید بر «خراسان» در این روایات را می‌توان از چند نظر مطالعه و بررسی کرد:

- از نظر جغرافیایی و مردم‌شناسی: کانون‌های جمعیتی مهم منطقه‌ی خاورمیانه و آسیای مرکزی در طول تاریخ، عبارت بوده‌اند از: حوزه‌ی بین‌النهرین، منطقه‌ی جنوب غرب ایران (خوزستان، فارس و بوشهر)، مناطق غربی ایران در حدّ فاصل کوهستان‌های زاگرس تا قفقاز و کویر مرکزی (از لرستان تا آذربایجان و ارمنستان)، منطقه‌ی طبرستان بزرگ، منطقه‌ی خراسان که از منتهی‌الیه کویر مرکزی شروع می‌شد و تا کوهستان‌های مرکزی افغانستان و جنوب ماوراءالنهر امتداد می‌یافت (خراسان ایران و شرق افغانستان) و ماوراءالنهر (حوزه‌ی جمعیتی دو رود جیحون و سیحون).^{۱۴}

در طول تاریخ، مناطق حدّ فاصل مدیترانه تا کویر مرکزی ایران، همواره در کانون درگیری‌ها و کش‌مکش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند؛ ولی منطقه‌ی خراسان، اگر از سمت شرق خود، در معرض تهدیدها و یا هجوم‌های جمعیتی قرار نمی‌گرفت (ورود ترک‌ها از ترکستان مرکزی و مغول‌ها از مغولستان مرکزی)، تبدیل به پای‌گاه جمعیتی ذخیره‌ای می‌شد و از طرف دیگر، کم‌تر دچار بحران‌های فکری و فرهنگی می‌گشت. نهایتاً این

۱۳. معجم الاحادیث الامام المهدی (عج)، ج 1، فصل: اهل مشرق و خراسان.

۱۴. همچنین منطقه‌ی رود نیل، منطقه‌ی شامات و فلسطین، مناطق شمال عراق و جنوب ترکیه و منطقه‌ی ترکیه‌ی غربی.

که: با داشتن چنین ویژگی‌هایی، توانست در موقع لزوم، با خیزش ناگهانی خود، معادلات را در خاورمیانه به هم بزند؛ درست همانند تجربه‌ای که عباسیان اجرایش کردند. همین روند را، اقوام مهاجر یا مهاجم ترک سلجوقی و مغولان نیز به گونه‌ای دیگر تکرار کردند.

نشانه‌های این اتفاق تاریخی در روایات آخرالزمانی دیده می‌شود:

در اخبار آخرالزمانی تأکید شده است: در آستانه‌ی ظهور، منطقه‌ی خاورمیانه در معرض بیش‌ترین هجوم‌ها و تهدیدها قرار می‌گیرد. وقتی که این تهدیدها و بحران‌ها به نهایت خود رسید و تشیع منطقه‌ی در خطر نابودی قرار گرفت، خیزش‌های اجتماعی خراسان با گرایش شیعی، باعث تغییر ناگهانی معادلات منطقه می‌شود و با به عقب راندن دشمنان تشیع، زمینه‌ها و بسترهای ظهور منجی موعود فراهم می‌شود.

در این پیش‌بینی‌ها، اگر چه منطقه‌ی خیزش زمینه‌سازان ظهور موعود، به صورت مبهم و مجمل، «خراسان» ذکر شده، ولی بدیهی است: با توجه به این که این خیزش، گرایشی شیعی دارد، باید با فرهنگ رضوی ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد.

با توجه به این پیش‌گویی‌ها، شهر مشهد و فرهنگ رضوی و زیارت امام رضا (ع)، در فرایند نهایی خود باید به سمتی برود که آن رسالت نهایی و جهانی را در چشم‌انداز خود داشته باشد.

جدول ایده‌یابی		
ایده	پیش فرض علمی	موضوع جزئی
- فرهنگ رضوی، برترین شاخصه‌ی فرهنگی شیعه‌ی ایرانی است.	فرهنگی	ظرفیت‌های ویژه‌ی فرهنگ رضوی
- فرهنگ رضوی، ظرفیت‌های چندگانه‌ی حماسی - علمی - اجتماعی دارد (در مقایسه با ظرفیت صرفاً حماسی فرهنگ عاشورایی).		

<p>- فرهنگ رضوی، جامع‌ترین شناس‌نامه‌ی هویتی و فرهنگی شیعه‌ی دوازده‌امامی است. (از منظر روایات، در مقایسه با فرهنگ عاشورایی که مشترک با دیگر فرقه‌ها است).</p>		
<p>نقش‌آفرینی آخرالزمانی فرهنگ رضوی در بین زمینه‌سازان ظهور ضرورت تام دارد.</p> <p>جغرافیای خراسان با محوریت حریم رضوی، بهترین پناه‌گاه برای تجمع زمینه‌سازان ظهور موعود، در میان هجوم‌های گسترده و تو در توی آخرالزمانی جریان‌های باطل است.</p> <p>شیعه‌ی خراسانی، آخرین امید و سرمایه‌ی اجتماعی جامعه‌ی شیعه‌ی بحران‌زده در آستانه ظهور خواهد بود.</p> <p>فرهنگ رضوی، تنها معبر جغرافیایی و اجتماعی رسیدن به جامعه‌ی زمینه‌سازان ظهور، در گستره‌ی جامعه و شیعه‌ی ایرانی است.</p>	<p>آینده‌پژوهی</p>	<p>سند چشم‌انداز فرهنگ رضوی از منظر روایات آخرالزمانی</p>